

مقاله پژوهشی

فهم پدیدارشناسانه تجارب زیسته افراد تراجنسی در شهر مشهد  
(یک مطالعه کیفی)

علی یعقوبی چوبری<sup>\*۱</sup>  
مهديه ساعدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰

چکیده

جنسیت یکی از مهم‌ترین ابعاد هویت انسانی است که همواره مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است و هرگونه اختلال در نظم جنسیتی، افراد را دستخوش ابهام و سردرگمی می‌کند. هدف این مقاله مطالعه پدیدارشناسانه تجربه زیسته افراد تراجنسی در شهر مشهد است. در این پژوهش از روش پدیدارشناسی در رویکرد کیفی استفاده شده است و جامعه آماری این پژوهش کلیه تراجنسی‌های شهر مشهد هستند. برای انتخاب نمونه‌ها از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی به‌طور همزمان استفاده شده است. در پژوهش حاضر برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها از ۱۰ نفر تراجنسی ساکن مشهد مصاحبه نیمه-ساخت‌یافته انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عمده‌ترین مشکل تراجنسی‌ها، موقعیت مرزی است. این وضعیت، موجب «آشفته‌گی جنسیتی» در آن‌ها شده و اغلب در مرحله گذار یا «اتاق انتظار» جهت تغییر جنسیت معلق هستند. وضعیت برزخی، آن‌ها را با مشکلات متعددی مواجه کرده که در هفت تم اصلی مشخص شده است. این تم‌ها عبارتند از: موانع «روانی»، «اجتماعی»، «اقتصادی»، «فرهنگی»، «حاکمیتی»، «دینی» و «خانوادگی». هرچند تمام مساعی جامعه در جهت اسنطاق و منقادسازی افراد به‌مثابه‌ی سوزده‌های جنسی است، اما وضعیت ابهام‌انگیز به آن‌ها فرصت می‌دهد تا انواع بازی‌ها شکل بگیرد و با اشکال مختلف مقاومت و نقیضه‌وار (طنز، تحقیر، مبدل‌پوشی) در جهت «تعلیق» و اسطوره‌زدایی از مرزبندی‌های جنسیتی هستند.

**کلید واژه‌ها:** پدیدارشناسی، تجربه زیسته، تراجنسی، هویت‌یابی.

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

\*: نویسنده مسئول

### ۱. مقدمه و بیان مسأله

انسان‌ها همواره در «دوگانگی‌های<sup>۱</sup>» مختلف به سر می‌برند و خواهان رفع آن تعارض‌ها هستند، یکی از دوگانه‌انگاری‌ها دوگانه جنس و جنسیت است. نخستین بار جنسیت یا هویت جنسیتی انسان، توسط زیست‌شناسان مورد بررسی قرار است. آن‌ها رفتار جنسیتی افراد را به جای فرهنگ، منبعث از ساختمان زیستی انسان‌ها می‌دانند. برخلاف زیست‌شناسان، جامعه‌شناسان تمایز مهمی میان دوگانه «جنس<sup>۲</sup>» و «جنسیت<sup>۳</sup>» و «تمایلات جنسی<sup>۴</sup>» قائل‌اند. آنان اصطلاح «جنس» را بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد اطلاق می‌کنند، حال آن‌که اصطلاح «جنسیت» را ناظر بر ویژگی‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی می‌دانند که جامعه آن را تعیین می‌کند و هویت زنانه یا مردانه‌ی افراد را در طول زندگی آنان شکل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۵۶). در این مقوله‌بندی جنسیت زیست‌شناختی، مستقل از جنسیت اجتماعی است. باتلر با این استدلال دوگانه جنس و جنسیت که ماهیت فرهنگی دارد، مخالف است؛ زیرا دوگانه جنسیتی همیشه از اساس به نحو زبانی مطرح می‌شود، او پیش از هر چیز به تأثیر گفتمان می‌پردازد که به واسطه تأثیر تولیدکننده گفتمان است که ابژه‌ها و سوژه‌ها به‌طریقی مشخص، طرح می‌شوند. نظم دوگانه جنسیتی صورتی گفتمانی دارد. در گفتمان، سوژه‌ها براساس جنسیت‌مندی طرح می‌شوند (مایسنر، ۱۳۹۸: ۲۴). در کنار این دو مفهوم، تمایلات جنسیتی است. تمایلات جنسی شامل انواع مختلف گرایش‌ات جنسی از قبیل تراجنسی‌ها، همجنس‌گرایان و... را شامل می‌شود. این تمایلات نیز، خصلت گفتمانی و «بدنمندی<sup>۵</sup>» دارد. باتلر<sup>۶</sup> به تقلید از جان سرل<sup>۷</sup> معتقد است جنسیت و تمایلات جنسی، جنبه «کنش-گفتاری<sup>۸</sup>» دارد. عملی را که شخص در حین توصیف، اجرا نیز می‌کند. مراد باتلر از ایفاگری جنسیتی بدین معناست که جنسیت خود با گفتن و بیان جنسیت شکل می‌گیرد. به‌زعم وی، استراتژی انجام یا عملکرد جنسی تداعی‌کننده‌ی عبارت معروف نیچه در کتاب «تبارشناسی اخلاق» است: فراسوی فعل، نمود و شدن، هیچ وجودی در کار نیست؛ فاعل، صرفاً داستانی است که به فعل اضافه شده است، فعل همه چیز است» (باتلر، ۱۹۹۰: ۷۸). بیشتر افراد جامعه دارای

- 
1. Duality
  2. Sex
  3. Gender
  4. Gender Desire
  5. Embodiment
  6. Butler
  7. John Searle
  8. Speech-act

رفتاری متناسب با جنس بیولوژیکی یا جنس زمان تولد خود هستند با این حال افرادی نیز وجود دارند که به مرور رفتار مربوط به جنس مخالف را از خود بروز می‌دهند؛ این افراد که با مفاهیمی همچون تراجنسی<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند به آن دسته از افرادی می‌گویند که دچار حس تعارض شدید بین جنس و جنسیت خودند (علیخواه و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۳). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که تراجنسی یک «موقعیت» است که در تباین با زندگی متعارف است این عدم‌سازگاری و تفاوت از روایت کلان در خصوص مرزبندی‌های جنسیتی برای این افراد مشکلات و تعارضاتی در حوزه فردی و اجتماعی به ارمغان آورده است. مشکلات مزبور در سطح فردی نظیر افسردگی، گوشه‌گیری، خودکشی، کم‌رنگ شدن روابط بین دوستان، آشنایان و فامیل، بروز بی‌اعتمادی، طرد شدن از خانواده و کاهش احساس امنیت افراد و در سطوح سازمانی مسائلی نظیر کاهش روحیه کار گروهی و همدلی و از دست دادن شغل است، در سطح کلان تأثیرات منفی شامل ناسازگاری‌های اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی، تنزل کیفیت زندگی، کاهش احساس رضایت از زندگی و شادکامی و ایجاد تعارض در جامعه از دیگر آسیب‌های قابل توجه در میان افراد دارای اختلال هویت جنسی است (دانافر و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۵).

همچنین، تراجنسی‌ها در دوگانگی‌های مختلفی از قبیل پوشیدگی و آشکارگی، وجودی و رخدادی، ایستا و متغیر بسر می‌برند. موقعیت مرزی آنان سبب می‌شود که فراسوی هر تعین واقعی با هرگونه هستنده‌ای (جنسی) جمع شوند (هایدگر، ۱۳۹۳: ۲۰). در این پژوهش فهم تجربه‌زیسته تراجنسی‌ها هدف اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. مشهد مرکز استان خراسان رضوی است که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مشهد با ۳۰۰۱۱۸۴ نفر جمعیت، دومین شهر پرجمعیت ایران پس از تهران و صد و یکمین شهر پر جمعیت دنیا به‌شمار می‌رود (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). از یک‌سو، کلان‌شهر بودن شهر مشهد از سوی دیگر بافت مذهبی آن تأثیرات قابل‌ملاحظه‌ای بر حیات ذهنی مردم آن شهر در امر مرزبندی‌های جنسیتی یا تعلیق آن خواهد گذاشت. این موقعیت و تجارب سنت-مدرنیته می‌تواند بازتاب‌دهنده تجارب متفاوتی از سوی افراد تراجنس ساکن در شهر مشهد باشد. تجاربی که نشان‌دهنده نوع برخورد افراد و سازمان‌های شهر مشهد با افراد تراجنسی است. با توجه به مقدمه فوق سوالات بنیادین مقاله عبارتند از: تجربه زیسته افراد تراجنسی از زندگی خود در شهر مشهد چیست؟ آنان در فرایند زندگی جنسی خویش با چه

موانع و مشکلاتی مواجه‌اند؟ و چگونه در مقابل تعارض‌های زندگی روزمره واکنش نشان می‌دهند؟

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های موجود در رابطه با موضوع تراجنسی‌ها با رویکردهای مختلف کمی و کیفی انجام شده است. در این قسمت به برخی از پژوهش‌های انجام شده در رابطه با موضوع تراجنسی اشاره می‌گردد. سعی بر آن شده است تا نزدیک‌ترین تحقیقات به موضوع پژوهش انتخاب گردد. بر مبنای نتایج تحقیقات، مشکلات افراد دارای اختلال هویت جنسیتی چه قبل و چه بعد از تغییر جنسیت اطلاعات متناقضی وجود دارد.

نتایج پژوهش جواهری و کوچکیان (۱۳۸۵) با عنوان «اختلال هویت جنسیتی و ابعاد اجتماعی آن در ایران» نشان می‌دهد که هرچند اقدام به تغییر جنس از نظر حقوقی در ایران مجاز است، اما افراد دارای هویت‌های جنسیتی نامتعارف با مشکلات اجتماعی و معضلات متعددی در حوزه خصوصی و عمومی روبرو هستند. یافته‌های پژوهش موحد و حسین‌زاده کاسمانی (۱۳۹۱) با عنوان «رابطه اختلال هویت جنسیتی با کیفیت زندگی» حاکی از آن است که میانگین اختلال هویت جنسیتی در بین افرادی که عمل تغییر جنسیت را انجام داده‌اند نسبت به افرادی که هنوز اقدام به عمل تغییر جنسیت نکرده‌اند بسیار کمتر است، همچنین افراد عمل کرده کیفیت زندگی و آرامش روانی بالاتری نسبت به افرادی که دست به عمل تغییر جنسیت زده‌اند، داشته‌اند. علی‌خواه و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تجربه انگ‌زنی و اختلال هویت جنسیتی؛ آثار و پیامدها» دریافتند، اقلیت جنسی زمانی که هویت جنسیتی خود را آشکار نمی‌کنند دچار ناملایمات روانی می‌شوند و هنگامی که هویت جنسیتی آنان آشکار می‌گردد دچار انگ‌زنی از سوی جامعه می‌شوند که این تجربه آنان را به سوی خودکشی، فرار از منزل، فقدان ارتباط رضایت‌بخش با اطرافیان، مورد قضاوت‌های منفی قرار گرفتن و آسیب‌های دیگر سوق می‌دهد. دانافر و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی دیگری با عنوان «اختلال هویت جنسیتی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین افراد رجوع-کننده به مراکز سازمان بهزیستی کشور طی سال‌های ۹۴-۱۳۹۲» نشان دادند که آشناسازی و آگاهی‌بخشی خانواده‌ها و افراد مبتلا از طریق منابع متعدد از جمله آموزش رسمی مدارس و دانشگاه‌ها؛ آموزش‌های غیررسمی مثل رسانه‌ها، مساجد، کارگاه‌های آموزشی در ارتباط با عوامل اجتماعی مؤثر همچون برجسب‌زنی، تصحیح الگوی تربیت جنسی و کنترل روابط با

همسالان غیرهمجنس، می‌تواند به کاهش و درمان اختلال هویت جنسیتی کمک رساند. محمدباقری و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان مقایسه اضطراب اجتماعی، افکار خودکشی و حمایت اجتماعی در افراد تراجنسی تغییر جنسیت داده و تغییر جنسیت‌نداده نتیجه گرفت گروه تراجنسی تغییر جنسیت‌داده بیشتر به دنبال حمایت اجتماعی هستند؛ اما در گروه تراجنسی تغییر جنسیت‌نداده اضطراب اجتماعی و افکار خودکشی بیشتر است. جباری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان ارزیابی عملکرد جنسی پس‌از انجام عمل جراحی تغییر جنسیت نشان داد عملکرد جنسی افراد تغییر جنسیت داده از مرد به زن نامطلوب ارزیابی شد.

در تحقیقات خارج از کشور نیز نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که تراجنسی‌ها چه قبل از عمل جراحی و چه پس‌از آن با تناقضات متعددی مواجه هستند، در این باره، گارفینگل (۱۹۶۷) برای نخستین بار در جریان تغییر جنس آگنس دریافت که گذر از یک جنس به جنس دیگر فقط با انجام دادن عمل جراحی به اتمام نمی‌رسد، بلکه این فرآیند با ایفای نقش‌های زنانه کامل می‌شود. گارفینگل به این واقعیت توجه کرد که تولید نقاب جنسی یک اجرای نمایشی است. حتی ایفای نقش‌های مربوط به یک جنسیت هم کافی نیست، بلکه ما از طریق تعبیری که از اجرای نمایشی به عمل می‌آوریم، جنسیت را به دیگران نسبت می‌دهیم. زاگر (۱۹۹۹) در پژوهشی بیش از ۳۰۰ کودک برای ناهمسازی هویت جنسیتی دریافت که مداخله درمانی برای بسیاری از این کودکان و خانواده‌هایشان سودمند است. دوستی نزدیک والدین با کودکان همجنس خود در بهبودی وضعیت آن‌ها نقش عمده‌ای دارد. نیکولوسی (۲۰۰۲) در اثر خود تحت عنوان «راهنمای والدین برای پیشگیری هم‌جنس‌گرایی» بر مبنای پژوهش‌های انجام گرفته، بر بیشینه کردن دگرجنس‌گرایی در کودکان تأکید کرده و آن را رویکردی مبتنی بر عقل سلیم می‌داند که با نظام ارزشی بسیاری از خانواده‌ها همسازی دارد و تغییر جنس‌خواهی را مغایر طبیعت آدمی تلقی می‌کند و فرایند اجتماعی شدن را در تغییر جنس‌خواهی برجسته‌سازی می‌کند. علی‌رغم نتایج تحقیقات مزبور، پیتس و همکاران (۲۰۰۹) پژوهشی با عنوان «افراد دو جنس‌گونه در استرالیا و نیوزلند، بهداشت، رفاه و دسترسی به خدمات بهداشتی» انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش نیز تفاوت معنادار میانگین اختلال هویت جنسی و کیفیت زندگی را بین افراد عمل کرده و عمل نکرده نشان می‌دهد. در بین افراد عمل نکرده، اختلال هویت جنسی با آسایش روانی و شاخص کل کیفیت زندگی رابطه معنادار دارد. پارولا و همکاران (۲۰۱۰) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی کیفیت زندگی تراجنسی‌ها پس از عمل جراحی

و هورمونی» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد عمل جراحی تغییر جنسیت، کیفیت زندگی اجتماعی و کیفیت زندگی جنسی این افراد را بهبود می‌بخشد. لازم به ذکر است اغلب تحقیقات در داخل و حتی خارج از کشور با نگاه تقلیل‌گرایانه، کمی و پوزیتویستی به امر تراجنسی پرداخته‌اند. این تحقیق با تعلیق مفهوم‌سازی‌های پیشینی و با استفاده از استراتژی کیفی پدیده‌ی تغییر جنس خواهی در شهر مشهد را مورد واکاوی قرار داده است.

### ۳. مبانی نظری و چارچوب مفهومی

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به روش پدیدارشناختی صورت گرفته و هدف تحقیق کیفی نظریه‌آزمایی نیست از نظریه‌های جامعه‌شناسی صرفاً به منظور درک معانی و مفاهیم زیسته افراد تراجنسی توسط پژوهشگر، به‌منزله راهنمای نظری برای تفسیر و تبیین بیشتر ابعاد موضوع و ارتقای حساسیت نظری استفاده شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۳۹). با وجود این، راهنما و شالوده نظری این پژوهش نظریه جنسیت و مردانگی ریوین کانل است. به‌طور کلی در خصوص جنسیت دو رویکرد وجود دارد: ذات‌گرایی و سازه‌گرایی. ذات‌گرایان بر این باورند که چیزی تحت‌عنوان «طبیعت انسان» وجود دارد که پایدار است و رفتار و عمل انسان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این رویکرد، وجود یا ساخت درون اشخاص را به‌منظور تبیین رفتارشان جستجو می‌کند (بر، ۱۹۹۸: ۳۲). در این باره، جوزف و لیندا نیکولوسی معتقدند تفاوت بین مردان و زنان امری واقعی است و هر فرد با والد همجنس خود همانندسازی می‌کند و اگر همانندسازی و نقش‌پذیری و... متناسب با جنسیت در خانواده رخ ندهد فرد با اختلال جنسی مواجه می‌شود. «بسیاری از بیمارانی که تعارض شدید دارند به‌دنبال درمان‌گری هستند که برای جراحی تغییر جنسیت به آن‌ها کمک کند؛ کاری که ما از آن حمایت نمی‌کنیم. ما بر این باوریم که معیوب کردن تن، هیچ پاسخ بلندمدتی در اختیار ما نمی‌گذارد» (نیکولوسی و نیکولوسی، ۱۳۹۸: ۲۲۴). او در نقد برساخت‌گرایان که عقیده دارند که جنسیت کلیشه‌بردار نیست این گزاره را نیز کلیشه محسوب می‌کند که از آن کلیشه‌های مدرن تعبیر می‌کنند. برعکس ذات‌گرایان، در رویکرد سازه‌گرایی جنسیت بیشتر یک برساخت اجتماعی است که طیف‌های متعددی از این رویکرد پیروی می‌کنند. در این باره، بر مبنای دیدگاه کنش متقابل هویت فرد در تعامل با دیگران به دست می‌آید. گافمن<sup>۱</sup> مدعی است جنسیت پدیده‌ای طبیعی نیست، بلکه در جریان تعامل ساخته می‌شود. در این تعاملات مردان و زنان خود تابع

1. Goffman

کلیشه‌هایی‌اند که چگونگی رفتار آن‌ها را از قبل مشخص ساخته است، اما درست مثل بازیگران یک نمایش، آن‌ها نیز از اندکی آزادی برخوردارند؛ به طوری که در بعضی موارد می‌توانند تا حدی متفاوت عمل کنند. (هولمز، ۱۳۷۸: ۷۸-۷۹). وی معتقد است که داغ یک آسیب اجتماعی یا زیستی است که تصور ذهنی دیگران را نسبت به هویت انسان مخدوش و متزلزل می‌کند و احتمالاً باعث انگشت‌نما شدن فرد می‌شود و تصور و خودپنداره فرد را از هویتش، متزلزل می‌سازد و هویت ذاتی و موجود فرد را دچار گسست و شکاف می‌کند (گافمن، ۱۳۹۲: ۱۷ و ریتزر و گودمن، ۱۳۹۳: ۳۳۵). یکی از نکات عمده در داغ ننگ خصلت بدنمندی است که وجه استعاره‌ی آن بدان «رؤیت‌پذیری<sup>۱</sup>» داده است که با مفهوم «آشکارگی<sup>۲</sup>» پیوند خورده است آن عیب یا هویت از طریق حس بینایی آشکار می‌شود.

جودیت باتلر به تقلید از فوکو معتقد است جنسیت امری گفتمانی و هنجارین است، بدین معنا که سامانه‌ها (آپاراتوس‌ها) در فهم افراد از مردانگی، زنانگی مؤثر است و خروج کامل از مناسبات دگرجنس‌گرایی اساساً قابل تحقق نیست. باتلر در کتاب «آشفتگی جنسیتی<sup>۳</sup>» تلاش می‌کند تا مفاهیم و مقولاتی از قبیل «حقیقت<sup>۴</sup>» یا «صالت<sup>۵</sup>»، زنانگی<sup>۶</sup> یا مردانگی<sup>۷</sup> را به چالش کشیده و در عوض از نظریه‌ی «اجراگری جنسیتی<sup>۸</sup>» تأکید کند (باتلر، ۱۹۹۰: ۷۸). این اجراگری جنسیتی تداعی‌کننده‌ی اجراگری ایدئولوژیک آلتوسری<sup>۹</sup> است. بدین معنا که ایدئولوژی افراد را به مثابه‌ی سوژه‌ی منقاد (زن یا مرد) مورد خطاب قرار داده و «استیضاح<sup>۱۰</sup>» می‌کند (آلتوسر، ۱۳۹۶: ۶۷). هویت‌های جنسیتی تحت تأثیر شبکه‌ای از مفاهیم است که فوکو از آن به سامانه (آپاراتوس) تعبیر می‌کند. مجموعه‌ی این سامانه‌ها<sup>۱۱</sup> از قبیل گفتمان، ایدئولوژی و طرح‌واره در شکل‌گیری «نظم جنسیتی<sup>۱۲</sup>» نقش عمده‌ای دارند. این سامانه‌ها در فهم افراد از مردانگی، زنانگی و مخنث مؤثر است. هویت جنسی که بخش قابل‌ملاحظه‌ای از هویت هر انسان را تشکیل می‌دهد، در بردارنده تصویر است که هر فرد

1. Visibility
2. Evidentness
3. Gender Trouble
4. Truth
5. Authentic
6. Femininity
7. Masculinity
8. Gender performance
9. Althusser
10. Interpellation
11. Interpellation
12. Gender order

به‌عنوان یک مرد یا زن از خود دارد. فرد می‌آموزد از آن حیث که مرد یا زن آفریده‌شده باید به شیوه‌ای خاص بیندیشد، رفتار کند و احساس نماید؛ بنابراین، جنسیت صرفاً امری ذاتی (زیستی) نیست بلکه رخدادی تاریخی است که خصلت «ذاتیدن»<sup>۱</sup> دارد و با تذوت وجهی برساختگی پیدا می‌کند (ویس، ۱۳۹۷: ۱۶۷، معین‌زاده، ۱۳۹۴: ۶۳ و چینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۱۴). «پدیدارشناسی»<sup>۲</sup> به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مکاتب فلسفی و هم‌چنین راهبردی پژوهشی در قرن بیستم به شمار می‌رود و هم‌چنان که از نامش پیداست، پدیدارها را مدنظر دارد. سابقه‌ی پژوهش‌های جامعه‌شناختی و پدیدارشناختی در جهت درک جنسیت که به فهم پویا و دائمی مفهوم زن بودن و مرد بودن مربوط می‌شود به کارهای هارولد گارفینکل<sup>۳</sup> بازمی‌گردد. وی مطالعات عمیقی در حوزه‌ی جنسیت انجام داده است، او معتقد بود افراد باید جنسیت خود را ثابت کنند و رفتارهای جنسیتی روشنی از خود نشان دهند. گارفینکل از مصداق آگنس در تحلیل کنش متقابل و با روش شناسی مردمی استفاده کرد. گارفینکل تأکید می‌کند که چگونه آگنس<sup>۴</sup> به‌عنوان شخصی دوجنسی سعی می‌کند «حقوق خود را برای زندگی در جایگاه جنس انتخاب شده» حفظ کند. هم‌چنین اینکه یاد بگیرد با وجود ارائه‌ی خود به‌عنوان یک نوع «طبیعی» چگونه یک زن باشد. مبارزه‌ی آگنس برای عملیات تغییر جنسی که قادر به ارضای دوست پسر وی نیز باشد، نشان‌دهنده‌ی قدرت بالقوه‌ی دوگانگی مذکر/ مؤنث و ماهیت تقلیدی و عملکردی زنانگی بدون همسازگی همه‌ی خصوصیات و عملکردها است (یعقوبی، ۱۳۹۳: ۱۸۲). در این فرایند عملکرد جنسیتی، جایگاه نمادین زن جای خود را به جایگاه نمادین مرد می‌دهد و برعکس. هرچند او از آنچه در مقام یک زن و یا مرد بازنمایی می‌کند فاصله دارد و آنچه او باز می‌نماید فاصله دارد (باتلر، ۱۹۹۰: ۳۱). برگر و لاکمن<sup>۵</sup> نیز با الهام از دیدگاه هربرت مید<sup>۶</sup> در سنت پدیدارشناسی و با بهره‌گیری از مفهوم «بیرونی شدن»<sup>۷</sup> که استعاره‌ای از «من اجتماعی» جورج هربرت مید است به تحلیل پدیده‌های اجتماعی پرداختند که منظور از آن این است که افراد از طریق فعالیت انسانی خود، حوزه‌های اجتماعی خود را می‌آفرینند (والاس و ولف، ۱۳۹۶: ۴۷۶). آن‌ها نظم اجتماعی را به‌منزله‌ی محصول در حال تکوین انسانی می‌دانند. برگر و لاکمن نظم

- 
1. Wesen
  2. Phenomenology
  3. Garfinkel
  4. Agnes
  5. Berger and Luckman
  6. Herbert Mead
  7. Externalization



اجتماعی را امری زیست‌شناختی یا مربوط به طبع اشیاء نمی‌داند بلکه به‌عنوان محصولی از فعالیت انسانی است. از تحلیل‌های آن‌ها چنین استفاده می‌شود که فهم انسان‌ها از امور اجتماعی از قبیل هویت جنسیتی ناشی از خوانشی است که آن‌ها از واقعیت دارند. برخی درک آن‌ها از موضوع جنسیت ممکن است امری عینی و مسلّم باشد، در صورت تکرار به الگویی قالب‌ریزی شده درمی‌آید و نهاد تشکیل می‌شود؛ بنابراین، نهادها زمانی تشکیل می‌شود که نمونه‌سازی‌های متقابلی از اعمال عادی شده‌ی انواع عمل‌کنندگان وجود داشته باشد (برگر و لاکمن، ۱۹۹۱: ۷۰). در مقابل، برخی دیگر ممکن است درکشان از واقعیتی همچون جنسیت «ذهنی»، «نسبی» و «اختیارگرا» باشد که وجهی برساختگی پیدا می‌کند. در این چشم‌انداز مردانگی و زنانگی نه امری «عینی»، «مطلق» و «جبری» بلکه فرایند زبانی است که توسط عاملان انسانی ساخته می‌شود (همان، ۸۲).

کانل<sup>۱</sup> نیز دیدگاه مشابهی دارد. به‌زعم وی، هرچند روابط جنسیتی محصول کنش‌های متقابل در زندگی روزمره است، اما در فرایند یک نظم جنسیتی هژمون می‌شود (کانل، ۱۹۹۵: ۳۵). کانل با استفاده از استعاره‌ی هژمونی گرامشی، به خلق مفهوم مردانگی هژمونیک می‌پردازد. هژمونی گرامشی به معنای سلطه اجتماعی یک گروه معین است که نه از طریق زور و اجبار، بلکه از طریق فعل‌وانفعال فرهنگی حاصل می‌شود و به زندگی خصوصی و حیطه‌های اجتماعی گسترش و تسری می‌یابد و در خدمت تداوم و حفظ نظام مسلط قرار می‌گیرد. کانل با بررسی مردان مختلف حاضر در جامعه نشان داد که در هر دوره خاص و در هر زمینه خاص، روابط جنسیتی خاصی مسلط است. در این زمینه سایر انواع مردانگی یا زنانگی «منحرف» و غیرطبیعی جلوه خواهند کرد. نظم جنسیتی الگوهای روابط قدرت بین انواع مردانگی و زنانگی است که در سه زمینه کار، قدرت و روابط بین دو جنس شکل می‌گیرد. روابط جنسیتی جامعه در قالب همین نظم جنسیتی شکل می‌گیرد؛ و درون نهادی مثل خانواده یک «رژیم جنسیتی» حاکمیت می‌کند که نظم جنسیتی را در آن نهاد پابرجا نگاه می‌دارد. مردان برای حفظ قدرت خود و برتری حاکمان یک نوع خاص از مردانگی را از نظر فرهنگی بر دیگر انواع مسلط می‌کنند که کانل با اقتدا به گرامشی آن را «مردانگی» هژمونیک نامید (حسینی رشت‌آبادی، ۱۳۸۶: ۶). در این باره، کانل نیز معتقد است جنسیت عملی اجتماعی است که همواره به بدن‌ها و آنچه بدن‌ها انجام می‌دهند اشاره می‌کند نه آن‌که به بدن‌ها تقلیل یابد. عمل اجتماعی به موقعیت‌های خاص پاسخ می‌دهد و در بین

ساختارهای معین روابط اجتماعی تولید می‌شود (کانل، ۱۹۸۷: ۱۷). بدن انگیزش‌ها و محدودیت‌های خاص خود را بر هنجارهای اجتماعی تحمیل می‌کند و جامعه هم تفاوت‌های جنسی و توانایی‌های بدن‌ها در تولیدمثل را در عمل‌های اجتماعی که ساختارهای تاریخی هر دوره آن‌ها را شکل می‌دهند هدایت می‌کند (حسینی، به نقل از کانل، ۱۳۸۶: ۱۰۵). امروزه با افزایش ارتباطات و تحرکات اجتماعی، عواملی چون جنسیت و جهت‌گیری جنسی نقش بسیار مهم‌تری را در حس هویت افراد ایفا می‌کنند (گیدنز، ۲۰۱۰: ۲۸۳). به‌زعم کانل، روابط جنسیتی محصول کنش‌های متقابل و فعالیت روزمره است. کنش‌ها و رفتارهای مردم عادی در زندگی‌های شخصی‌شان به‌طور مستقیم به آرایش‌های اجتماعی جمعی در جامعه مربوط می‌شوند. این آرایش‌ها در طول مدت عمر و در نسل‌های متمادی به‌طور پیوسته بازتولید می‌شوند، اما دستخوش تغییر نیز قرار می‌گیرند. همچنین، همه افراد تحت‌تأثیر طرح‌واره‌ها، ایدئولوژی‌های جنسیتی به انجام نقش جنسی عمل می‌کنند؛ بنابراین، فهم فرد از دنیای پیرامون خود امری اجتماعی است. کانل بر این باور است که نحوه‌ی برخورد با تراجنسی‌ها بستگی به سیاست‌های جنسیتی هر جامعه دارد. برخی جوامع سیاست‌های جنسیتی محافظه‌کارانه دارند و بیشتر قائل به مرزبندی‌های جنسیتی هستند و بعضی برعکس، سیاست‌های جنسیتی انقلابی‌تری دارند و در جهت تغییرات جنسیتی هستند. در بسیاری از جوامع بویژه زنان با انواع تناقضات بدنمندی و تبعیض‌های اجتماعی از قبیل از دست دادن مشاغل، خصومت‌های خانوادگی و مشکلات عدیده در مناسبات اجتماعی مواجه هستند (کانل، ۲۰۱۲: ۸۷۴). این مقاله، هرچند مبتنی بر تحقیق استقرایی است، اما با الهام از نظریه‌ی جنسیتی و مردانگی کانل به تبیین پدیده‌ی تراجنسی خواهد پرداخت.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. این رویکرد با توجه به اصول هستی‌شناختی خود تا حد امکان بر تجربه‌های دست‌اول یا تجربه‌زیسته متمرکز شده و از پرداختن به موضوعات ثانویه خودداری می‌نماید، چراکه امکان ورود به لایه‌های معنایی تجربه‌های دست‌دوم را نداشته و در صورت استفاده به تولید معرفتی مخدوش و تحریف‌شده می‌انجامد (محمدپور، ۱۳۹۷: ۴۱۲). در این پژوهش، شش گام اصلی روش پدیدارشناسی وان‌مانن<sup>۱</sup> را در اجرای پژوهش مدنظر قرار دادیم. این گام‌ها عبارتند از گام اول؛ روی آوردن به

ماهیت تجربه‌زیسته. گام دوم؛ بررسی تجربه به همان شکل که زیسته شده است. گام سوم؛ تحلیل داده‌ها به کمک تأملات پدیدارشناسی هرمنوتیکی. گام چهارم؛ نگارش پدیدارشناسی هرمنوتیکی. گام پنجم؛ حفظ ارتباط مستمر و قوی با پدیده. گام ششم؛ برقراری تعادلی در بافت با در نظر گرفتن هم‌زمان کلیت و اجزای آن (منصوریان، ۱۳۹۴: ۱۱-۵). با توجه به رویکرد پدیدارشناسی این پژوهش، جامعه مورد مطالعه کلیه افراد تراجنس شهر مشهد است که اقدام به عمل تغییر جنسیت کرده‌اند و با توجه به ماهیت موضوع تحقیق از نمونه‌گیری هدفمند<sup>۱</sup> و گلوله برفی<sup>۲</sup> به‌طور هم‌زمان استفاده شده است. نمونه‌گیری براساس روش نمونه‌گیری نظری یا مفهومی صورت گرفته است. منطق حاکم در انتخاب حجم نمونه، اشباع نظری<sup>۳</sup> بود. اشباع زمانی اتفاق می‌افتد که در خلال مصاحبه یا مشاهده هیچ اطلاع جدیدی ظهور نکند و طبقه‌بندی‌ها و دسته‌بندی از جهت کیفیت و تنوع به‌خوبی توسعه‌یافته باشد و روابط میان دسته‌ها به‌خوبی تثبیت و اعتبار یافته باشد (کربین و اشتراوس به نقل از شهابی و نادری، ۱۳۹۲: ۹۲). ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت یافته با رویکرد پدیدارشناسی است که طی آن شرکت‌کنندگان تجربه خود را از پدیده تراجنسی به تفصیل بیان کرده‌اند. در بحث ارزیابی تحقیق کیفی به مسأله اعتبارپذیری<sup>۴</sup> بیش از پایایی توجه می‌شود. در خصوص اعتبار از استراتژی‌های مختلفی نظیر تماس طولانی با محیط پژوهش، استفاده از نظریه‌ها و تحقیقات مختلف، کنترل داده‌ها از سوی مصاحبه‌شوندگان و تحقیقات مشابه کمک گرفته‌شد. در خصوص پایایی (قابلیت اطمینان<sup>۵</sup>) نیز متن مصاحبه پس از پیاده‌شدن مقوله‌بندی شد، در این باره اقدامات مختلفی از قبیل یادداشت‌برداری، پیاده‌کردن مصاحبه‌های ضبط‌شده بر نوار، تدوین برگه راهنمای مصاحبه، تهیه فهرست مصاحبه‌شوندگان، مقوله‌های استنتاج‌شده از داده‌ها و استفاده از اساتید و پژوهشگران در ساخت مقوله‌ها استفاده شد. به‌طور کلی، یکی از گام‌های مهم این تحقیق، برکت کردن (اپوخه<sup>۶</sup>) در بخش‌هایی نظیر گردآوری و تحلیل داده‌ها و جایگاه پژوهشگر انجام شد. در خصوص این مسأله که چه کسی باید اپوخه کند، در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها و از طریق رفت‌وبرگشت مکرر میان پژوهشگر - داده‌ها - مشارکت‌کننده میسر شد.

1. Purposive Sampling
2. Snowball Sampling
3. Theoretical saturation
4. Credibility
5. Dependability
6. Epoche

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان

کد مشارکت‌کننده	سن (سال)	تحصیلات	وضعیت اشتغال	تمایل جنسی	وضعیت تأهل
۱	۲۶	فوق‌دیپلم	شاغل	ز به م	مجرد
۲	۱۹	دانشجو	بیکار	ز به م	مجرد
۳	۲۳	کارشناسی	بیکار	ز به م	مجرد
۴	۱۹	دیپلم	پاره‌وقت	ز به م	مجرد
۵	۲۱	کارشناسی	شاغل	ز به م	مجرد
۶	۲۱	کارشناسی	بیکار	م به ز	مجرد
۷	۲۶	دیپلم	شاغل	م به ز	مجرد
۸	۲۴	کارشناسی	پاره‌وقت	ز به م	مجرد
۹	۲۲	فوق‌دیپلم	پاره‌وقت	م به ز	مجرد
۱۰	۱۹	دیپلم	بیکار	م به ز	مجرد

بر مبنای نتایج توصیفی، از ده نفر مصاحبه‌شوندگان، شش نفر «ز به م» و چهار نفر «م به ز»<sup>۱</sup> بوده‌اند. میانگین سنی افراد ۱۹/۹ سال بوده است. به لحاظ سرمایه فرهنگی یک نفر دانشجو، سه نفر دیپلم، دو نفر فوق‌دیپلم، چهار نفر کارشناسی هستند. از حیث سرمایه اقتصادی (شغلی)، چهار نفر بیکار، سه نفر شاغل پاره‌وقت و سه نفر شاغل‌اند. به لحاظ وضعیت تأهل، همه مشارکت‌کنندگان مجردند.

### ۵. یافته‌های پژوهش

در این مرحله توضیحات کلامی مصاحبه‌شوندگان که ارتباط تناتکی با سؤالات تحقیق داشتند مورد تحلیل قرار گرفتند. واحدهای معنادار از عبارات و توصیفات مشارکت‌کنندگان استخراج شد. ابتدا گزاره‌های مهم به‌دست‌آمده، سپس گزاره‌ها به مفاهیم و داده‌های نخستین تبدیل شد، آنگاه داده‌های اولیه به مقوله‌های بزرگ‌تر (فرعی‌تری) خوشه‌بندی شدند که در قالب هفت تم اصلی استحصال شده است. این تم‌های خوشه‌بندی منتج از گزاره‌های ادغام‌شده عبارتند از: موانع «روانی»، «اجتماعی»، «اقتصادی»، «فرهنگی»، «دولتی»، «دینی» و «خانوادگی». از ترکیب هفت مقوله که به‌صورت سلسله‌مراتبی به‌دست‌آمده را می‌توان در یک مقوله اصلی «موقعیت مرزی» تقلیل داد.

۱. منظور از «ز به م» کسی که با جنسیت بیولوژیک زنانه به دنیا آمده و خواهان تغییر بدن خود به بدنی مردانه است و مقصود از «م به ز» کسی که با جنسیت بیولوژیک مردانه به دنیا آمده و خواهان تغییر بدن خود به بدنی زنانه است.

## ۵-۱. مهم‌ترین موانع و مشکلات تراجنسی‌ها

یکی از سؤالات تحقیق این بود که تراجنسی‌ها در فرایند زندگی خود با چه موانع و مشکلاتی مواجه‌اند و چگونه برچسب می‌خورند؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تراجنسی‌ها به واسطه ترتیبات یا سامانه‌ی جنستی هم در موقعیت مردانه و زنانه بسر می‌برند این موقعیت مرزی یا برزخی آن‌ها را با انواع خشونت‌های اجتماعی و مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی، دولتی، فرهنگی، دینی و خانوادگی مواجه کرده است.

جدول ۲: استخراج مقوله‌های فرعی و اصلی از کدهای باز مربوط به مهم‌ترین موانع و مشکلات تراجنسی‌ها

مفاهیم (کدها)	مقولات فرعی	مقوله اصلی
افسردگی انزوا بدبینی بیماری روحی کمبود عاطفی خودکشی	مشکلات روانی	موقعیت مرزی
شخصیت متعارض ابهام نقش نبود آینده روشن	بلا تکلیفی	
بیمار جسمانی منحرف جنسی دوجنسه دوجنستی منحرف اجتماعی	انگ اجتماعی	
متلک تحقیر کنایه تبعیض طردشدگی تجسس در حریم خصوصی تهدید به تجاوز	خشونت	
مشکلات قانونی مشکلات قضایی مشکلات حمایتی	مشکلات حاکمیتی	
ضعف آگاهی نبود آموزش کافی آگاهی پایین متخصصان مربوطه	مشکلات فرهنگی	

مشکلات دینی	عدم آگاهی از فتوهای دینی جدید در خصوص تغییر جنسیت، عدم پذیرش احکام جدید دینی، گرایش دینی شدید، مقاومت روحانیون شیعه و سنی
مشکلات خانوادگی	فرار از خانه، عدم حمایت خانواده (عاطفی / مالی)، طرد از خانواده، عدم پذیرش در خانواده
مشکلات اقتصادی	نبود امنیت شغلی، نبود کار تمام وقت، فرصت‌های شغلی کمتر

### الف) توصیف مشکلات روانی تراجنسی‌ها

وضعیت تراجنسی‌ها موجب می‌شود که آن‌ها با انواع مشکلات روانی مواجه شوند. نخستین واکنش آن‌ها با این امر بدبینی، بیماری روحی، افسردگی، کمبود عاطفی، انزوا و افسردگی را شامل می‌شود.

مشارکت‌کننده شماره ۷: «همه چیز دخیل هستن؛ اما خب اینجور بگم بهتره که فرد ترنس از همون اوایل کودکی متوجه یه سری تفاوت‌ها می‌شه که باعث انزواش می‌شه».

تراجنسی‌ها چون سازگاری لازم با شرایط محیط را ندارند و از مزایای اجتماعی لازم برخوردار نیستند، استمرار و تداوم این وضعیت آن‌ها را تا سرحد مرگ پیش می‌برد. مشارکت‌کننده شماره ۸: «بیشتر دوستانم به خاطر بیکاری افسردگی و عقب‌افتادگی ذهن مردم، یا خودکشی می‌کنن یا کم کم نابود می‌شن».

### ب) توصیف مشکلات اجتماعی تراجنسی‌ها

#### ۱. بلاتکلیفی

یکی از مشکلات اجتماعی وضعیت متعارض و مبهمی است که تراجنسی‌ها بسر می‌برند این وضعیت متعارض، آن‌ها را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است.

مشارکت‌کننده شماره ۲: «تو جو دوستان، من همون شاهینی که هستم خودمو معرفی می‌کنم، اما تو خانواده و اینا نمی‌تونم بگم که شاهینم چون بهر حال خانواده اصلی‌ام یعنی پدر و مادرم آبروشون واسه شون مهمه. میگن تا موقعی که تکلیفت مشخص نشده تو همون نازنینی. واسه خانواده ما خودتو تعریف می‌کنی. منم مجبورم خودمو همون نازنین معرفی کنم، اما یه جایی که بدونم درک و فهم شو دارن مثلاً جایی بیرون از خانواده توی جمع‌های دوستانه بخوام خودمو معرفی کنم همون شاهین معرفی می‌کنم جایی که درکش داشته باشن».

## ۲. انگ اجتماعی

تنها عده‌ای قلیلی از مشارکت‌کنندگان معتقدند که دیگران در مواجهه‌ی با تراجنسی‌ها با اغماض برخورد می‌کنند: «سرسری رد میشن و نشون نمی‌دن»، اما اغلب مشارکت‌کنندگان اعتراف نموده‌اند تاکنون انواع برچسب‌های جنسی از قبیل بیمار جسمانی (دوجنسه) منحرف جنسی (هم‌جنس‌گرا، همجنس‌باز، کجروی جنسی) دوجنسیتی (اواخواهر، زن‌نما و مردنما) و منحرف اجتماعی (منحرف اجتماعی و بی‌دین) در تعامل با دیگران دریافت کرده‌اند. این امر تداعی-کننده‌ی نظریه‌ی داغ‌گافمن است. داغ یا ننگ به مسأله‌ی هویت‌های خدشه‌دار اشاره دارد. برخی افراد در تعامل با تراجنسی‌ها از برچسب بیمار جسمانی استفاده می‌کنند. استفاده از داغ ننگ برای تراجنسی‌ها تابعی از سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی است. کسانی که از سرمایه فرهنگی کمتری برخوردارند زندگی تراجنسی‌ها برای آن‌ها رازانگیزتر است. مشارکت‌کننده شماره ۴: «بازم بستگی به میزان آگاهی طرف داره. بعضیا فکر می‌کنن دوجنسه‌ایم. ازمون راجع به آلت تناسلی می‌پرسن. یه سری از افرادم تا اسم تی‌اسو می‌شنون یاد همجنس‌گراها میفتن یا فکر می‌کنن ما انحراف جنسی داریم». مشارکت‌کننده شماره ۵: «تنها جمله‌ای که ما اکثراً به گوش‌مون می‌خوره اینه طرف دختره یا پسره؟».

بنابراین وضعیت تراجنسی‌ها برای افراد مختلف به اشکال مختلف بازنمایی می‌شود. برخی افراد نیز در تعامل با تراجنسی‌ها از مفهوم دوجنسی استفاده می‌نمایند، این بازنمایی حاکی از سامانه‌ی جنسیتی است که افراد در جهت خاصی قرار می‌گیرند. علاوه بر داغ بیمار جسمانی، تراجنسی‌ها ممکن است در جامعه به‌عنوان منحرف جنسی مقوله‌بندی شوند. از این‌رو، پیش‌پرداخته در ساخت مقوله‌بندی افراد در خصوص تراجنسی‌ها مؤثر است و سبب می‌شود عدول از مرزبندی‌های جنسیتی تحمل نگردد. مشارکت‌کنندگان برخی از تجارب خود را تحت-عنوان منحرف، همجنس‌گرا، منحرف جنسی، آدم‌های زن‌نما و مردنما و... اشاره کرده‌اند. مشارکت‌کننده شماره ۶: «به نظر من و اون چیزی که تا حالا دیدم، اکثراً افراد ترنس رو یک سری آدمای منحرف و زن‌نما یا مردنما می‌دونن».

تصورات قالبی و ایدئولوژی‌ها در برساخت اجتماعی تراجنسی‌ها نقش بسزایی دارد. این تصورات و بازنمایی‌ها امری مکان‌مند و زمان‌مند است. در برخی زمینه‌ها که ایدئولوژی جنسیتی شدیدتر است مقاومت‌های جنسیتی نیز از صعوبت بیشتری برخوردار است. در این باره،

مشارکت‌کننده شماره ۸ معتقد است: «مخصوصاً کسانی که تو روستا هستن فکر می‌کنن قیامت شده».

مشارکت‌کننده شماره ۱۰: «فکر میکنن آخرالزمان شده و ما مشکل اخلاقی داریم. می‌خوان منصرفمون کنن».

### ۳. خشونت

تراجنسی‌ها انواع مختلف خشونت‌ها را در محیط زندگی خود تجربه می‌کنند بخشی از خشونت‌ها جنبه‌ی روانی داشته است که شامل بدرفتاری کلامی و عاطفی مثل تمسخر، توهین، تحقیر وضعیت جسمانی و ظاهری، دشنام و ناسزاگویی است. مشارکت‌کنندگان از "کنجکاو" دیگران نسبت به آن‌ها سخن به میان آوردند، آن‌ها معمولاً توسط دیگران زیر نظر گرفته شده و مورد پرسش قرار می‌گیرند. این پرسش و پاسخ‌ها به تصویر دیگران از افراد تراجنس شکل می‌دهد. "تحقیر کردن" یکی دیگر از تجاربی است که به باور مشارکت‌کنندگان تصویری که دیگران از آن‌ها دارند را به شیوه‌ای حقارت‌آمیز منتقل می‌سازد و در این تجربه برچسب‌های جنسی در قالب متلک و کنایه بیان می‌شوند. آن‌ها از تجربه‌های مرتبط با کوچک شمردن شدن یا سرزنش از سوی اطرافیان نیز اشاره کرده‌اند.

مشارکت‌کننده شماره ۹: «بچه‌ها تو مدرسه اذیتم می‌کردن چون رفتارم به نظر اونا یه جوری بود افسرده شدم چون فکر می‌کردم من منحرفم و مشکل از منه، معلما هم منو دست می‌انداختن فکر می‌کردن دارم ادا درمیارم».

برخی مشارکت‌کنندگان خشونت اجتماعی را تجربه نموده‌اند. این خشونت شامل عدم پذیرش اجتماعی و تبعیض است که برخی از آن‌ها با آن مواجه بوده‌اند. طردشدگی به‌عنوان یکی از تجربه‌های منفی ادراک‌شده توسط مشارکت‌کنندگان منجر به بی‌اعتنایی و دوری‌گزینی دوستان و خانواده‌شان شده است و عواطف و احساسات این افراد را در معرض آسیب قرار داده است. این طردشدگی و ایجاد مرز و فاصله مانع از قضاوت صحیح دیگران نسبت به آن‌ها می‌شود و فرآیند تثبیت هویت را با مشکلات جدی روبرو می‌سازد.

مشارکت‌کننده شماره ۶: «خیلی ناراحت و غمگین می‌شم و گریه‌ام می‌گیره، ولی معمولاً بروزش نمی‌دم، نمونه‌اش رفتار خواهرم، که با اینکه تحصیل کرده هست و توقع داشتم برخورد منطقی با این مسأله داشته باشه، ولی من رو از خودش روند و گفت اگه بخوای عمل کنی نمی‌خوام ریختتو ببینم که خب، دلم شکست».



تهدید به تجاوز به مثابه‌ی خشونت جنسی نیز از جمله تجاربی بوده که برخی از تراجنسی‌ها با آن مواجه بوده‌اند.

مشارکت‌کننده شماره ۷: «وقتی که مدرسه رفتم همه منو از قبل می‌شناختن و چون کسی آگاهی نداشت مسخره می‌کردن اذیت می‌کردن یا حتی تو مراحل بعد تجاوز می‌خواستن بکنن».

### ج) توصیف مشکلات خانوادگی تراجنسی‌ها

اولین گروه اجتماعی که تراجنسی‌ها با آن مواجه می‌شوند، خانواده است. آن‌ها از یک طرف بین امیال خود و خانواده‌شان دچار تعارض شدید اجتماعی هستند.

مشارکت‌کننده شماره ۲: «خوام کل قضیه رو بگم اینه که خانواده‌ات تو رو یک شخصی می‌بینن که تو داری اونا رو آزار میدی، اذیت‌شون می‌کنی، آبروشونو می‌بری و اون چیزی که اونا می‌خوان نیستی».

مشارکت‌کننده شماره ۳: «خب بچه‌های ترنس شرایط زندگیشون فرق داره. بعضیا خانواده‌هاشون اوکین. طرفم هیچ مشکلی نداره و راحت تطبیق میده، ولی بعضی خانواده‌ها مخالفن و هیچ حمایتی هم از بچشون نمی‌کنن، اینه که خود طرف باید تمام سختی‌های این راهو یه تنه به دوش بکشه».

مشارکت‌کننده شماره ۵: «ترس به شدت زیادی داشتم از اینکه بخوام جلوی خانواده مطرحش کنم می‌ترسیدم چون با خودم می‌گفتم چرا همه اینجورین، من باهاشون فرق می‌کنم و خیلی برام ترسناک بود واکنش خانواده واسه همین اصلاً بروز نمی‌دادم، کلاً یه فرد درون‌گرایی‌ام». برخی افراد با استراتژی‌هایی از قبیل طنز و سخره گرفتن در جهت مقاومت و نقیضه کردن قدرت مسلط خانواده عمل می‌کنند. مشارکت‌کننده شماره ۶: «یکی از خاطراتم اینه که از بچگی، هر وقت مامانم یا خواهرم برای خودشون لباس یا کفش می‌خریدن سریع با ذوق می‌رفتم می‌پوشیدم و یه جوری با حالت شوخی این کارو می‌کردم که بهم گیر ندن زیاد». برخی معتقدند تراجنسی‌ها با مشکلاتی از قبیل ناسازگاری‌های خانوادگی، فرار از خانه، افسردگی و... مواجه هستند.

مشارکت‌کننده شماره ۸: «اگه وضع مالیش خوب باشه، مثل بقیه ولی بازم کم و کسری تو زندگی احساس می‌کنه از جمله خانواده که نبودشون کل وجودمون رو داغون می‌کنه».

**د) توصیف موانع حاکمیتی تراجنسی‌ها**

مشارکت‌کنندگان نسبت به نهادهای رسمی بی‌اعتماد بوده و معتقد بودند پروسه قانونی مجوز گرفتن تغییر جنسیت پروسه‌ای طولانی‌مدت است که در اکثر مواقع در جهت منصرف ساختن فرد از پیگیری و عمل تغییر جنسیت انجام می‌گیرد. فهم نهادهای قضایی نیز در خصوص تراجنسی‌ها همراه با مقاومت است. به نظر می‌رسد امر تراجنسی برای آنان عینی، ازلی و ابدی است و در دل گفتمان دینی قرار دارد اما مشکل تراجنسی برای آنان معنای دیگری دارد آن‌ها خواهان کیفرزدایی از مشکل خود هستند و خواهان گذار از مرزبندی‌های جنسیتی بر مبنای گفتمان موجود هستند.

مشارکت‌کننده شماره ۴: «مشکلات ما رو پزشکی قانونی زیاد می‌کنه، بهمون دوره‌های درمان طولانی می‌دن که واقع چرنده، هیچ تأثیری هم نداره فقط می‌کنن».

همچنین بین جهان تراجنسی‌ها و جهان مقامات قضایی در خصوص مشکلات تراجنسی‌ها تفاوت بنیادین وجود دارد این امر سبب عدم‌همدلی و درک متقابل بین آنان می‌گردد.

مشارکت‌کننده ۵: «رفتم پیش قاضی که دوره روان‌درمانی مو اجازه شو بهم بده و وقتی رفتم قاضی نمی‌دونست این قضیه چیه و می‌گفت من قبولش ندارم. فکر کن وقتی قاضی که برای پرونده تغییر جنسیت تعیین کردن هیچ اطلاعاتی راجع به این قضیه نداره».

مشارکت‌کننده شماره ۶: «مهم‌ترین مشکل تراجنسی‌ها عدم وجود قانونی برای حمایت از ترنس‌هاست که باعث می‌شه فرهنگ‌سازی درستی هم صورت نگیره و نتیجه‌ش انزوا و بالا رفتن آمار خودکشی در بین ترنس‌هاست».

مقوله فرعی نقش دولت گسترده‌ی وسیعی را شامل می‌شود چراکه این نهادها نقش به‌سزایی در تجربه‌زیسته این افراد داشته است. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که هرچند این تأکید آگاهانه نبوده است اما بیانگر اهمیت و نقش انکارناپذیر دولت در شکل دادن و تثبیت هویت افراد است. تراجنسی‌ها براین باورند که دولت به اندازه کافی از آن‌ها حمایت و پشتیبانی به عمل نمی‌آورد.

مشارکت‌کننده شماره ۱۰: «دولت اصلاً حمایت‌مون نمی‌کنه تا وقتی ترس از حمایت از ترنس وجود داشته باشه و این‌طور تصور بشه که این مسأله کم‌اهمیت‌ه، هیچ مشکلی حل نمی‌شه».

**ه) توصیف مشکلات فرهنگی تراجنسی‌ها**

به نظر می‌رسد یکی از مشکلات تراجنسی‌ها «فهم‌ناپذیری» وضعیت آن‌هاست. این امر تداعی‌کننده استعاره جان‌گری (۱۳۸۲) است که معتقد است جهان مردان و جهان زنان فرق

می‌کند و از استعاره مردان مریخی و زنان ونوسی استفاده نمود. جهان یک تراجنسی نیز با جهان یک غیرتراجنسی بسیار متفاوت است.

مشارکت‌کننده شماره ۵: «تا حالا خیلی‌ها بطور خیلی توهین‌آمیزی نگاه می‌کنن و پیچ‌هاشون خیلی روی اعصاب و روان آدمه و خیلی اصلاً به نگاه سرسری می‌کنن و سرشونو می‌اندازن پایین و خیلی‌ها به خودشون جسارت می‌دن که میان می‌پرسن و حالا ما براشون توضیح می‌دیم ولی خب دیگه به بازه‌ای شد که من دیگه کلاً توضیح نمی‌دادم چون وقتی فرهنگ‌سازی نشده و اطلاع‌رسانی ندارن توضیح فقط بدترش می‌کنه نمی‌فهمن و توضیح انگار به این اشتباهشون دامن می‌زنه و تنها جمله‌ای که به گوشم می‌خوره، اینه که طرف دختره یا پسره و مشکل شونم همینه که جنسیت ما براشون مهمه».

این عدم آگاهی آنان را با وضعیت متناقضی مواجه کرده است، زیرا از جهاتی برای آن‌ها مفید است و از جهاتی برای آنان مضر است.

مشارکت‌کننده شماره ۴: «آموزش و پرورش خیلی تأثیر داره باید از اول شناسایی کنن ما رو. جامعه هم ناآگاه و بنظرم ناآگاه بمونه بهتره. چون اگر آگاهی پیدا کنن خیلیا ازمون سوءاستفاده میکنن واسه همین اگه شناخته نشیم که تی‌اسیم خیلی بهتره. خوبه که بدونن ما وجود داریم و انحراف جنسی نداریم ولی زیادی بدونن بد می‌شه. کلاً روانشناسا نمی‌تونن تشخیص بدن که فرد واقع تی‌اسه یا اختلال دیگه‌ای داره».

مشارکت‌کننده شماره ۷: «من کلاً حس و حال خوبی ندارم و همیشه با خودم درگیرم و سردرگم و با هیچ‌چیزی حالم خوب نمی‌شه، نگاه مردم در مورد ترنسی که واقع دنبال حاشیه نباشه خوبه چون مردم آگاهی درست ندارن و به چیزی می‌گن و گرنه من به هرکسی کاملاً توضیح دادم پذیرفته و حمایت کرده».

بنابراین، یکی از مشکلات تراجنسی‌ها، موانع شناختی است. در این باره، رسانه‌ها نقش عمده‌ای دارند. مشارکت‌کنندگان با اشاره به نقش رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی تأکید داشتند رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون می‌توانند در تثبیت هویت آن‌ها و شکل دادن به افکار و نگرش دیگران نقش به‌سزایی ایفا کنند. آن‌ها اعتقاد داشتند، بهترین روش جهت آگاهی‌بخشی عمومی و شفاف‌سازی را تولید برنامه‌های رسانه‌ای می‌دانستند. برخی برای عمومی کردن مشکلات تراجنسی‌ها تأکید دارند که می‌توان از زبان نمادین و هنر که خصلت زیباشناختی دارد استفاده کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۱: «الان خیلی بهتر شده، سریال گلشیفته خیلی تأثیر داشت شبکه‌های اجتماعی‌ام همینطور».

#### و) توصیف مشکلات دینی تراجنسی‌ها

یکی از سؤالات تحقیق این است که به لحاظ ذهنی مصاحبه‌شوندگان چه تصویری از نهادهای دینی دارند. به‌زعم آن‌ها نهادهای دینی در مواجهه با امر تراجنسی با مقاومت همراه است. نهادهای دینی به‌مثابه ساختار اجتماعی‌اند این نهادها هم خصلت الزام‌آوری دارند و محدودیت‌هایی بر کنشگران ایجاد می‌کنند هم اینکه نهادهای دینی فرصت‌آفرین‌اند؛ زیرا ممکن است با تغییر روایت امکان جدیدی برای کنشگران فراهم نمایند؛ بنابراین، پارادایم‌های دینی یکسری امکان‌های جدید ایجاد می‌کند اما جلوی بسیاری از امکان‌های دیگر را سلب می‌کند. تراجنسی‌ها سوژگی خود را در ساختارهای دینی رقم می‌زنند. آن‌ها با کنش‌هایشان به بازاندیشی ساختار دینی می‌پردازند، اما ساختارهای دینی نیز برای آن‌ها الزامات و محدودیت‌هایی فراهم می‌کنند. در این باره برخی تراجنسی‌ها معتقدند بعضی گفتمان‌های رایج علیرغم گفتمان دولت دینی از مقاومت بیشتری برخوردارند. آن‌ها این کار را با استعاره‌های دینی «کفر می‌دانند...» و «دست بردن در خلقت خدا» تلقی می‌کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۶: «اولین و مهم‌ترین مشکل و مانع مذهب ماست، کسانی که مطلع نیستن این کار کفر می‌دونن و معتقدن که دست بردن تو خلقت خداست».

برخی دیگر معتقدند برخی از کنشگران دینی اطلاعی از احکام جدید دینی در خصوص تغییر جنسیت را مطلع نیستند و به مقاومت از هرگونه بازاندیشی در امر تغییر جنسیت مقاومت می‌کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۵: «خیلی از خانواده‌ها بچه‌ها رو می‌برن نمی‌دونم پیش کسانی که فقه خوندن، شیخن یا هرچی دیگه و اونام اطلاعات کافی ندارن، حتی فتوای رهبر زمان خودشون امام خمینی که فتوای تغییر جنسیت رو داد رو نمی‌دونن چیه حتی اونم قبول ندارن. ولی بازم کسانی که خانواده رو ترک می‌کنن اگه بتونن کار کنن و کار پیدا کنن بازم می‌تونن زندگی ساده‌ای داشته باشن».

#### ز) توصیف مشکلات اقتصادی تراجنسی‌ها

مشکلات فیزیکی و بدنمندی تراجنسی‌ها سبب شده آن‌ها مشکلات دیگری همچون موانع شغلی و فعالیت‌های اقتصادی را نیز تجربه کنن، در این باره، اغلب آن‌ها به لحاظ ذهنی اظهار

کرده‌اند کار تمام‌وقت نداشته باشند و در صورت اشتغال، از امنیت شغلی برخوردار نیستند. آن‌ها در مقایسه با دیگران از فرصت‌های شغلی کمتری برخوردارند. مشارکت‌کننده شماره ۴: «زندگی که کلاً واسه ماها مزخرفه. من خودم معمولاً ۸۰ درصد زندگیم افسرده بودم. حالا باز این وضعیت اقتصادی ایرانم فشار و چندین برابر می‌کنه. اصلاً احساس امنیت اقتصادی ندارم».

بیکاری و مشکلات اقتصادی پیامدهای روانی و اجتماعی زیادی برای تراجنسی‌ها به ارمغان آورده است که افسردگی و خودکشی از نتایج آن بوده است.

مشارکت‌کننده شماره ۸: «بیشتر دوستانم به خاطر بیکاری افسردگی و عقب‌افتادگی ذهن مردم یا خودکشی میکنند یا کم‌کم نابود میشن».

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تراجنسی‌ها در یک وضعیت مرزیِ بگرنج و ناراحت‌کننده‌ای بسر می‌برند که سوژه‌های تحقیق از آن به «بلا تکلیفی» تعبیر کرده‌اند. به عبارت دیگر، آن‌ها از موقعیت «اینجا و اکنونی» خود ناراضی‌اند و به‌زعم کانل (۲۰۰۹) خواهان گذار از مرحله‌ی مرزی و نیل به تعیین جنسیتی خویش‌اند. این امر، با نتایج تحقیق موحد و حسین‌زاده (۱۳۹۱) در داخل، پیتس و همکاران (۲۰۰۹) و پارولا و همکاران (۲۰۱۰) در خارج، در خصوص وضعیت تراجنسی و کیفیت زندگی همسویی دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت برزخی تراجنسی‌ها، به‌مثابه مقوله اصلی سبب می‌شود که آن‌ها انواع خشونت‌های کلامی، اجتماعی، اقتصادی، جنسی و روانی را در فرایند زندگی روزمره تجربه کنند. همچنین، براساس نتایج تحقیق مشارکت‌کنندگان با انواع استعاره‌ها و برچسب‌های جنسی که خصلت بدنمندی دارند شناخته شده‌اند. به عبارت دیگر، انواع تصاویر از تراجنسی‌ها توسط مردم برساخت شده است. این تصاویر و ایماژهای منتج از داده‌های تحقیق عبارتند از: بیمار جسمانی (دوجنسه) منحرف جنسی (هم‌جنس‌گرا، همجنس‌باز، کج‌رو جنسی) دوجنسی (اواخواهر، زن‌نما و مردنما) و منحرف اجتماعی (منحرف اجتماعی و بی‌دین). این امر تداعی‌گر دیدگاه ریوین کانل است که در هر جامعه، نظم جنسیتی خاصی وجود دارد که سایر مقوله‌بندی‌های جنسیتی غیرمتعارف و منحرف تلقی می‌شود. بر مبنای نتایج تحقیق، تراجنسی‌ها چنین تصویری از خود توسط مردم را نادرست دانسته و خواهان واژگون‌سازی آن هستند؛ زیرا جنسیت‌زدگی نگاه مزبور موجب انواع اعمال تبعیض‌های جنسی در قالب سایر گونه‌های جنسی می‌شود. به‌زعم کانل (۲۰۱۲) و

۲۰۰۹) زندگی تراجنسی‌ها، در درون ساختار جنسیتی خانواده، اقتصاد و دولت تعیین یافته و توسط نظم جنسیتی، نامتعارف تلقی شده و با انواع برجسب‌های جنسی ساخته می‌شوند. هویت جنسی آن‌ها امری بدنمند است که ادراک افراد از خود صبغه جسمانی دارد. علاوه بر این، برمبنای یافته‌های تحقیق عمده‌ترین موانع و مشکلات تراجنسی‌ها شامل موانع حقوقی (مشکلات قانونی و قضایی)، موانع فرهنگی (آموزشی و آگاهی‌بخشی)، موانع دولتی (حمایتی)، موانع دینی و موانع خانوادگی است. برمبنای یافته‌های پژوهش دانافر و همکاران (۱۳۹۵) رفع موانع نهادی و همکاری سازمان‌های مزبور در کاهش آلام تراجنسی‌ها نقش عمده‌ای در رضایت از زندگی آنان دارد. هرچند به‌زعم کانل (۱۳۸۶) همه نهاد‌های اجتماعی (آموزشی، دینی و خانواده و...) مزبور مروج ایدئولوژی‌های جنسیتی هستند و تمام مساعی آن‌ها در جهت بهنجارسازی، اسنتطاق و منقادسازی افراد به‌مثابه‌ی سوژه‌های جنسی در نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه هستند. با این وجود، برمبنای دیدگاه نیکولوسی (۱۳۹۸) تغییر جنس خواهی پسران و دختران نیز تحت تأثیر جامعه، گفتمان اجتماعی و مناسبات «پیشاتغییر جنس‌گرایی» است. به‌عبارت دیگر، این سنخ از دختران و پسران مردانگی و زنانگی را در خود «درونی» و «این‌همانی» نکرده‌اند. فرهنگ جنسی مدرن نیز در ایجاد آشفتگی‌های جنسیتی نقش عمده‌ای داشته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند مشکلات تراجنسی‌ها دارای پیامدهای متعددی برای آن‌ها بوده است. واکنش تراجنسی‌ها در سطح فردی عبارتند از: بدبینی، بیماری روحی، افسردگی، کمبود عاطفی، انزوا، افسردگی و خودکشی. پیامدهای اجتماعی آن عبارتند از: مقاومت تراجنسی‌ها در مقابل وضعیت مرزی، سلطه و قواعد جنسیت صرفاً اطاعت محض نیست، بلکه وضعیت ابهام‌انگیز به آن‌ها فرصت می‌دهد تا انواع بازی‌ها شکل بگیرد و با اشکال مختلف مقاومت و نقیضه‌وار (طنز، تحقیر، مبدل‌پوشی) در جهت «تعلیق» و اسطوره‌زدایی از مرزبندی‌های جنسیتی هستند. برمبنای نتایج این پژوهش، تراجنسی‌ها بر این باورند چه قبل و چه بعد از تغییر جنسیت با تناقضات متعددی مواجه‌اند، این چالش‌ها و تناقضات با نتایج تحقیق جباری و همکاران (۱۳۹۷) و محمدباقری و همکاران (۱۳۹۸) در داخل، گارفینکل (۱۹۶۷)، زاگر (۱۹۹۹) و نیکولوسی (۲۰۰۲)، در خارج هماهنگی دارند.

سرانجام، با توجه به انواع مسائل، ابهامات و تناقضات اجتماعی-فرهنگی در زندگی روزمره تراجنسی‌ها پیشنهاد می‌شود اقداماتی مناسب با ساختار اجتماعی جامعه ایرانی انجام شود. این اقدامات در ابعاد اقتصادی و حقوقی نظیر حمایت مالی و بیمه‌ای و شرایط شغلی مناسب و با ثبات برای تراجنسی‌ها و تهیه و تصویب قوانین در جهت رفع تعارضات حقوقی در کاهش

آلام آنان ضروری است. همچنین در بُعد فرهنگی (آگاه‌سازی) و خدماتی، انجام تدابیر مناسب از قبیل برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای خانواده‌های دارای فرزند تراجنس و برگزاری خدمات مشاوره‌ای و دوره‌های آموزشی در مدارس جهت آگاه‌سازی آموزگاران و دانش‌آموزان و... دارای اهمیت بسزایی است. هرگونه سیاست‌های تغییرجنس خواهی باید به‌دوراز نگاه ابزاری، تجاری و صنعت جنسی، اما محتاطانه، همه‌جانبه و چندوجهی در جهت سلامت پسران و دختران باشد چون هرگونه سیاست‌گذاری جنسی غیرعلمی و نادرست ممکن است آن‌ها را با مشکلات و تناقضات دیگری مواجه نماید.

### تقدیر و تشکر

از تمامی کسانی که ما را در این پژوهش یاری رساندند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

## منابع

- آلتوسر، لویی. (۱۳۹۶). *علم و ایدئولوژی*، ترجمه مجید مددی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جباری، علیرضا؛ موسوی، سیدمحمد؛ منجمی، مانی و موسوی، سیدجابر. (۱۳۹۷). ارزیابی عملکرد جنسی پس از انجام عمل جراحی تغییر جنسیت، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان*، ۲۰(۴)، ۸۲-۸۷.
- جواهری، فاطمه و کوچکیان، زینب. (۱۳۸۵). اختلال هویت جنسیتی و ابعاد اجتماعی آن: بررسی پدیده نارضایتی جنسی در ایران، *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۵(۲۱)، ۲۶۵-۲۹۲.
- چینی، نفیسه، هاشمیان، سید علی و محمدی کنگرانی، حنا. (۱۳۹۸). تفسیر و تبیین جامعه‌شناختی نشانه‌های زنانگی در بازتولید بدن زنان شهر اصفهان، *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۸(۱۴)، ۳۱۱-۳۴۵.
- حسینی رشت‌آبادی، سید جواد. (۱۳۸۶). ستاره‌های مردانگی و مردانگی ستاره‌ها، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان*.
- دانافر، عباسعلی؛ جهانبخش، اسماعیل و بهیان، شاپور. (۱۳۹۵). اختلال هویت جنسیتی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین دگرجنس‌خواهان رجوع‌کننده به مراکز سازمان بهزیستی کشور طی سال‌های ۹۴-۱۳۹۲، *نشریه علمی- پژوهشی طلوع بهداشت*، ۱۶(۲)، ۷۵-۸۷.
- ریترز، جورج و گودمن، داگلاس. جی. (۱۳۹۳). *نظریه جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه‌ی خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن. (۱۳۹۵). *سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان رضوی*، معاونت آمار و اطلاعات.
- شهبایی، محمود و نادری، سارا. (۱۳۹۲). مطالعه پدیدارشناسانه تجربه انقیاد/ قدرتمندی در زندگی روزمره زنان تهرانی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۴(۲)، ۷۹-۱۲۲.
- علیخواه، فردین؛ نادمی، محمد و ضیاء ناصرانی، محدثه. (۱۳۹۴). تجربه انگ‌زنی و اختلال هویت جنسیتی؛ آثار و پیامدها، *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*، ۱۳(۱)، ۴۳-۵۶.
- گافمن، اروین. (۱۳۹۲). *داغ‌ننگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده*، ترجمه‌ی مسعود کیانیپور، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مایسنر، هانا. (۱۳۹۸). *جودیت باتلر*، ترجمه: رضا دهقانی، تهران: نقد فرهنگ.
- محمدباقری، فاطمه؛ محمودی، هیودا، صوفی، صلاح. (۱۳۹۸). مقایسه‌ی اضطراب اجتماعی، افکار خودکشی و حمایت اجتماعی در افراد تراجنسی تغییر جنسیت‌داده و تغییر جنسیت‌نداده، *مجله علمی- پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۷(۶)، ۷۷۱-۷۷۸.



- محمدپور، احمد. (۱۳۹۷). *ضد روش، زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*، تهران: نشر لوگوس.
- معین‌زاده، مهدی. (۱۳۹۴). *هنر به مثابه برونشوی از گشتل تکنولوژی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، ۲۱(۸۵)، ۴۷-۶۷.
- منصوریان، یزدان. (۱۳۹۴). *پدیدارشناسی بیرون از مرزهای فلسفه، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت*، ۶، ۵-۱۱.
- موحد، مجید و حسین‌زاده کاسمانی، مرتضی. (۱۳۹۱). *رابطه اختلال هویت جنسیتی با کیفیت زندگی، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۲(۴۴)، ۱۱۱-۱۴۲.
- نیکولوسی، جوزف و نیکولوسی، لیندا ایمز. (۱۳۹۸). *فهم جنس‌گرایی*، ترجمه محسن بدره، تهران: نشر آرما.
- والاس، روث ا. و ولف، الیسن. (۱۳۹۶). *نظریه‌های معاصر جامعه‌شناسی: گسترش سنت کلاسیک*، ترجمه مهدی داوودی، تهران: نشر ثالث.
- ویس، ژان ماری. (۱۳۹۷). *واژه‌نامه هایدگر*، ترجمه شروین اولیایی، تهران: نشر ققنوس.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۹۳). *هستی و زمان*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی.
- هولمز، ماری. (۱۳۷۸). *جنسیت در زندگی روزمره*، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: شرکت نشر نقد افکار.
- یعقوبی، علی. (۱۳۹۳). *نظریه‌های مردانگی*، تهران: نشر پژواک.
- Berger, P., Luckmann, T. (1991). *The Social Construction of Reality*, U.S.A: Penguin Books.
- Burr, V. (1998). *Gender and social psychology*. London, Routledge
- Butler, J. (1990). *Gender Trouble, United States*, New York, Published Rutledge.
- Connell, R. W. (1987). *Gender and power: society, the person and sexual politics*, Cambridge, polity press.
- Connell, R. W. (1995). *Masculinities*, Cambridge, Polity Press
- Connell, R. W. (2009). *Southern theory; The global dynamics of knowledge in social science*, Cambridge, polity press.
- Connell, R. W. (2012). *Transsexual Women and Feminist Thought: Toward New Understanding and New Politics*, *Journal of Women in Culture and Society*, 37(4), 857-881.
- Garfinkel, H. (1967). *Studies in Ethnomethodology*. Englewood Cliffs, N. J: Prentice-Hall.
- Giddens, A. (2010). *The Rise and Fall of New Labour. New Perspectives Quarterly*. 27(3), 2-83.
- Nicolosi, J., Nicolosi, L. A. (2002). *A Parent's Guide to Preventing Homosexuality*, U.S.A., Liberal Mind Publishers.

- Parola, N., Bonierbale, M., Lemaire, A., Aghababian, V., Michel, A., Lancon, C. (2010). Study of quality of life for transsexuals after hormonal and surgical, *Sexologies*, 19(1), 24-28.
- Pitts, M. K., Couch, M., Mulcare, H., Croy, S., Mitchell, A. (2009). Transgender People in Australia and New Zealand: Health, Well-being and Access to Health Services, *Feminism & Psychology*, 19(4), 475-495.
- Zucker, K. (1999). Gender Identity Disorder in the DSM-IV, *Journal of Sex and Marital Therapy*, 25(1), 5-9.